

مطالعه‌ی تعلیلی برون‌ایستادگی از رسانه‌های دولتی^۱ در ایران

هادی خانیکی*

سیدمحمد مهدی‌زاده**، سبحان یحیائی***

چکیده

در این مقاله، با طرح‌کردن مفهوم تازه «برون‌ایستادگی» در مطالعات مخاطب‌شناسی رسانه‌ای، به دنبال آن‌ایم که چرایی برون‌ایستادگی از رسانه‌های دولتی ایران، ترک آگاهانه، و پرهیز عامدانه از مصرف رسانه‌های دولتی را بررسی کنیم. در این مقاله، با بهره‌گیری از روش‌شناسی تحلیل کیفی تعاملی (IQA) و با استفاده از ابزار مصاحبه‌های عمقی و مصاحبه‌گروه‌کانونی، پس از ۲۹ مصاحبه عمقی انفرادی، اشباع نظری حاصل می‌شود و با انجام‌دادن سه مصاحبه گروه‌کانونی بین‌گونه‌های برون‌ایستادگان اعتراض - مقاومت، برون‌ایستادگان سرگرمی خواه ناراضی، و برون‌ایستادگان ابتذال نموداری تعلیلی از محرک‌ها و پیامدهای سیستم برون‌ایستادگی، بر مبنای معانی ذهنی اظهارشده نمونه‌های مورد مطالعه، ارائه می‌شود. پس از شناسایی ۵۵ مفهوم در چرایی برون‌ایستادگی در گام مصاحبه‌های عمقی انفرادی، این مفاهیم در مصاحبه‌های گروه‌کانونی هر سه گونه برون‌ایستادگی به‌طور تفصیلی بحث شد و بر مبنای آن نمودار شماتیک تعلیل برون‌ایستادگی در قالب نمودارهای SID ترسیم و ارائه شد. نتایج تحلیل کیفی تعاملی در مصاحبه‌های عمقی انفرادی و سه مصاحبه گروه‌کانونی نشان می‌دهد که دستیابی به آرامش اصلی‌ترین عنصر پیامدی سیستم برون‌ایستادگی و پرهیز از ایدئولوژی اصلی‌ترین مفهوم محرک سیستمی در میان برون‌ایستادگان است.

* دانشیار گروه ارتباطات اجتماعی، دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی،
hadi.khaniki@gmail.com

** استادیار گروه ارتباطات اجتماعی، دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی،
mahdizadeh45@yahoo.com

*** دانشجوی دکتری علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)،
sobhan.yahyaie@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۵/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۹/۲۰

کلیدواژه‌ها: برون‌ایستادگان، رسانه‌های دولتی، مخاطب‌شناسی، تحلیل کیفی تعاملی.

۱. مقدمه

از تولد رسانه در جامعه ایران تا حضور پررنگ امروزه رسانه‌های دولتی در زندگی شهروندان، معنای ذهنی عموم شهروندان از رسانه‌ها با قدرت و حاکمیت سیاسی پیوند خورده است. از سوی دیگر، رسانه‌های دولتی، اعم از رادیو و تلویزیون که بی‌واسطه تریبون دولت در معنای کلان دولت - ملتی‌اش شناخته می‌شوند و مطبوعات که تحت نظارت مستقیم دولت منتشر می‌شود، به مخاطبان‌شان به مثابه واقعیتی صلب در کلیت جامعه ایران و تمامی شهروندان ایرانی می‌اندیشند.

اما در حاشیه این جریان اصلی رابطه رسانه‌های دولتی و عموم مخاطبان می‌توان افرادی را یافت که خود را تحت فراخوان (calling) و خطاب رسانه‌های دولتی قرار نمی‌دهند و آگاهانه و عامدانه با اتخاذ روش‌های گوناگون مقاومت از مواجهه با این اقتدار دولتی رسانه‌ها گریزان‌اند.

پیش از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، در زمانی که دسترسی به رسانه‌های غیردولتی چندان میسر نبود و جز رادیوهای خارجی، نوارکاست‌ها، دیوارنوشته‌ها، و شب‌نامه‌ها کم‌تر می‌توان سراغی از رسانه‌ای غیردولتی گرفت، طیف گسترده‌ای از مذهب‌یون رادیو و تلویزیون دولتی را به واسطه «مغایرت با دین‌انگاری» این رسانه و متون رسانه‌ای‌اش تحریم کرده بودند و بیرون از مرزهای رسانه دولتی ایستاده بودند. در سال‌های پس از انقلاب نیز هم‌چنان بخشی از جامعه در مقام برون‌ایستادگی از نظم رسانه‌ای قرار دارند؛ این امر با مشاهدات و تجربیات محقق و دیگریانی چند سازگار است که کسانی را می‌شناسند که تلویزیون دولتی را به هیچ‌روی نمی‌بینند و مخاطب رسانه‌های تحت اقتدار دولت مانند مطبوعات دولتی نیز واقع نمی‌شوند و منابع ارتباطی خود را از راه‌های غیردولتی تأمین می‌کنند. این افراد برون‌ایستاده از رسانه‌های دولتی محل مطالعه این مقاله خواهند بود.

۲. بیان مسئله

«برون‌ایستادگان» کسانی‌اند که دست رد به سینه رسانه‌های دولتی می‌زنند و از جرگه مخاطبان این رسانه‌ها عامدانه کناره می‌گیرند. رؤیت‌ناپذیری و پنهان‌بودگی برون‌ایستادگان به این امر منجر شده است که در مطالعات مخاطب‌پژوهی رسانه‌ها، که در ایران چندان هم

پرتعداد نیست، سراخی از آن‌ها در تحقیقات و مطالعات نمی‌توان گرفت و در فضای غیردانشگاهی نیز کسی درباره آن‌ها صحبت نمی‌کند.

در این مقاله سعی داریم چرایی برون‌ایستادگی را مطالعه کنیم و نگاهی علت‌یابانه به این کنش اجتماعی و رسانه‌ای برون‌ایستادگان داشته باشیم. بنابراین، هرچند این مطالعه در زمره مطالعات مخاطب‌پژوهی رسانه‌ای قرار می‌گیرد، اما برخلاف سنت‌های مألوف مطالعات مخاطب‌پژوهی به سراغ «برون‌ایستادگان» نظم رسانه‌ای می‌رود.

۳. ضرورت و اهمیت موضوع

این مطالعه از دو منظر درخور توجه است: از یک‌سو، با توجه به این‌که عموم سنت‌های مألوف مخاطب‌شناسی به مصرف‌کنندگان رسانه‌ها می‌پردازند و عملاً برون‌ایستادگان و آن‌ها که رسانه را مصرف نمی‌کنند از دایره این مطالعات بیرون افتاده‌اند، چنین مطالعه‌ای یافته‌ها و افزوده‌های تازه‌ای را برای علم ارتباطات و مخاطب‌شناسی به دنبال خواهد داشت؛ از سوی دیگر، با توجه به ضرورت کارکردی شناخت غیرمخاطبان یا برون‌ایستادگان برای برنامه‌ریزی‌های جذب مخاطبان تازه، می‌تواند واجد ارزش کارکردی برای رسانه ملی و یا دیگر رسانه‌های دولتی ایران باشد.

بنابراین، با توجه به فقر مطالعات و تحقیقات مخاطب‌پژوهی در زبان فارسی و نبود مطالعات بیرون از جریان اصلی سنت‌های مخاطب‌پژوهی، چنین مطالعه‌ای فی‌نفسه ضرورت خواهد یافت. به عبارت دیگر، ضرورت پرداختن به چنین موضوعی نبود مطالعه مخاطب‌پژوهی به زبان فارسی با رویکرد سلبی به مخاطبان رسانه‌های رسمی و دولتی است. عموم مطالعات مخاطب‌پژوهی، که شمار چندانی هم ندارند، به مخاطبان ایجابی پرداخته‌اند که، با توجه به عدم تعیین و مرزبندی ناشی از این رویکرد، نمی‌توان انتظار دستیابی به شناخت جامعی از مخاطبان را داشت.

بنابراین، شناسایی جامع‌نگر مخاطبان رسانه‌های رسمی که به تبع شناسایی برون‌ایستادگان از جامعه مخاطبان تحقق‌پذیر است ضرورت و اهمیت این مقاله را روشن می‌کند.

می‌توان گفت اهمیت موضوع این مقاله، علاوه‌بر گشودن دریچه‌ای تازه در مطالعات مخاطب‌پژوهی رسانه‌ای، این است که شناسایی برون‌ایستادگان سیستم رسانه‌ای ما را به شناخت درونی‌های سیستم رسانه‌ای و در نتیجه کلیت مخاطبان رسانه‌های رسمی رهنمون می‌کند. از سوی دیگر، شناسایی برون‌ایستادگان نخستین گام برای به‌درون‌کشیدن آن‌ها و تعدیل نظم رسانه‌ای است و مطالعاتی از این دست می‌تواند گام‌های جدی در این زمینه بردارد.

۴. پرسش اصلی تحقیق

علل کنش برون‌ایستادگی در صورت‌های گوناگون آن چیست؟

۵. تعریف مفهومی و عملیاتی برون‌ایستادگی

در تعریف مفهومی می‌توان گفت که برون‌ایستاده کنش‌گری فعال است که عامدانه و آگاهانه خود را از درون‌شدن در میان جماعت مخاطبان پرهیز می‌دهد. برون‌ایستاده کسی است که همواره از تلویزیون دولتی فاصله می‌گیرد و اگرچه ممکن است بنا به تصادف و یا ضرورت به پیام‌های رسانه‌ای رسمی اندک توجهی کند، اما همواره در آستانه خروج از حوزه‌های خطاب تلویزیون دولتی ایستاده است؛ او از مواجهه با تلویزیون دولتی امتناع می‌ورزد. برون‌ایستادگی جعل مفهومی است که در این مقاله رخ داده است و هرچند می‌توان آن را دارای اشتراک مفهومی با برخی از نظریات جامعه‌شناسان انتقادی دانست، اما ترجمه‌ی واژه معینی نیست.

برای تعریف عملیاتی هم می‌توان گفت که برون‌ایستادگان در این مقاله افرادی‌اند که دریچه‌های ارتباطی و رسانه‌ای خود را به روی تلویزیون دولتی بسته‌اند و آگاهانه خود را تحت فراخوان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران قرار نمی‌دهند.

۶. پیشینه پژوهش

اگرچه در پژوهش‌های بی‌شماری مسئله مصرف رسانه‌ای مطالعه شده است (از آن جمله ← حقیقی، ۱۳۷۵؛ بدیعی، ۱۳۸۲؛ بدری، ۱۳۹۲؛ برخورداری، ۱۳۹۲)، اما منبعی که مستقیماً به چرایی برون‌ایستادگی و مصرف‌نکردن رسانه دولتی پردازد در جست‌وجوهای متعدد محقق یافت نشد.

۷. چهارچوب مفهومی

با توجه به آن که این مقاله ترسیم منطق اکتشافی و بهره‌برداری از روش‌شناسی تحلیل کیفی تعاملی است، ناگزیر، سامان چهارچوبی نظری، به‌منزله مبنای تئوریک، و مبانی نظری پیشین، به مفهوم متداول آن در مطالعات غیراکتشافی، برای این مقاله وجهی ندارد. بنابراین فقط به افق‌های نظری مطمح‌نظر در چهارچوب مفهومی مقاله پرداخته خواهد شد؛

ریشه‌های نظری مفهوم برون‌ایستادگی وام‌گرفته از رویکردهای جامعه‌شناسی انتقادی است. آن‌جا که آدورنو و هورکهایمر در دیالکتیک روشن‌گری از مرزهای یک سیستم و حاشیه‌های هر سیستم سخن می‌گویند، در واقع به مفهوم برون‌افتادگی می‌پردازند. والتر بنیامین در پروژه پاساژها برای شناخت کلیت شهر، به‌مثابه یک متن، به حاشیه‌ای‌ها و حذف‌شدگان در شهر مدرن پاریس می‌پردازد (Benjamin, 1999 b) که قرابت مفهومی با برون‌افتادگی دارد؛ البته در سنت‌های جامعه‌شناسی انتقادی بیرونگی (exteriority) نه ناشی از انتخاب کنش‌گر، بلکه ناشی از جبر سیستم و مرزهای تحمیلی آن است که می‌توان از آن به برون‌افتادگی تعبیر کرد، اما برون‌ایستادگی که مفهوم جعل‌شده در این مقاله است به وضعیتی اشاره دارد که کنش‌گر، آگاهانه و عامدانه، بیرونگی از مرز مخاطبان رسانه‌های رسمی را برمی‌گزیند؛ هرچند وضعیت برون‌ایستادگی و برون‌افتادگی در بسیاری از مؤلفه‌های دخیل اشتراک‌های مفهومی دارند.

در مقام این رویکرد درک حقیقی کلیت فقط به‌واسطه مرزها ممکن است و از آن‌جا که به گفته اسپینوزا «هر تعینی نفی است» (به نقل از آگامبن، ۱۳۸۸: ۲۰) و هر مرزی دو سویه دارد (بیرون و درون)، بهترین راه برای شناخت یک سیستم رفتن به سراغ نقاط بیرونی سیستم است. همان‌گونه که اشمیت در *الهیات سیاسی* ادعا می‌کند:

استثنا از قاعده جالب توجه‌تر است. قاعده هیچ چیزی را مشخص نمی‌کند، استثنا همه چیز را مشخص می‌کند؛ استثنا نه فقط قاعده را تأیید می‌کند، بلکه قاعده خود فقط از استثنا تغذیه می‌کند (همان: ۲۱).

به تعبیر دقیق‌تر، با نفیِ نفیِ سیستم یا با نفیِ نقاط بیرونی (منفی) یک مجموعه می‌توان به درک حقیقی کلیت آن دست یافت. در نتیجه بیرون همواره به درون اشاره دارد و راه حقیقی شناخت درون است.

از همین رو، حاشیه‌ای‌ها و برون‌ایستادگان قلمرو رسانه‌های رسمی در ترسیم مرزها و تعینات آن وضعیت و در یک کلام در شناخت حقیقی مخاطبان آن به ما یاری می‌رسانند، اما می‌توان همین تحلیل را گامی به‌پیش برد: برون‌ایستادگان یک وضعیت نه‌تنها نقاط خارجی و نفی‌کننده آن، بلکه از منظری دیگر نقاط درونی، ذاتی، و برساننده آن وضعیت‌اند. در واقع جزئی برون‌افتاده درونی‌تر از همه اجزای درونی است. ساده‌ترین دلیل این امر نیز در این است که یک وضعیت بدون نقاط بیرونی، بدون حذف برخی بیرونگی‌ها، به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند مرزهای خود را ترسیم کند و به کلیت برسد. به تعبیر ژیتک:

کافی نیست استثناها را برپایه تعامل ساده بیرونی بین قواعد و موارد نامتعارفی شرح دهیم که تابع علل بیرونی / پیشامدی‌اند. پرسش ضروری این است که چرا قلمرو قواعد خود به استثناها نیاز دارد؛ یعنی چرا استثنا ضرورت ساختاری دارد، چرا قلمرو قواعد بدون استثنایی که شالوده آن قلمرو را می‌ریزند فرومی‌پاشد؟ (ژیژک، ۱۳۸۷: ۱۳۸).

۸. روش‌شناسی؛ تحلیل کیفی تعاملی (IQA)

روش کیفی تعاملی، از طریق مصاحبه مستقیم و اندیشیدن به صورت انباشتی، تمرکز غالب خود را بر تجربیات شرکت‌کنندگان حاضر قرار می‌دهد. نرثکات و مک‌کوی (Northcutt and McCoy, 2004: 18) اشاره به این امر دارند که هدف تحلیل کیفی تعاملی برقراری پیوند میان مشابهت‌ها و ارتباط میان پدیده و معناست. آنان در اثر خود به این نکته اشاره می‌کنند که کارکرد کلیدی تحلیل کیفی تعاملی یافتن مجموعه داده‌ها و نقاط جدید و نیز مشارکت مستقیم شرکت‌کنندگان در فرایند تولید است.

پژوهش کیفی تعاملی (IQA) از طریق اعضای گروه کانونی برای مصاحبه و طبقه‌بندی و به‌کارگیری مجموعه داده‌ها انجام می‌شود. طی زمان مصاحبه و تعامل با گروه کانونی محققان مفاهیم را شرح و به گروه کانونی اجازه می‌دهند تا ایده‌ها و مفاهیم خود را درباره موضوع پژوهش شرح دهند. به این ترتیب، از طریق تبادل نظر مداوم و روشن‌شدن ایده، عوامل تأثیرگذار بیش‌تری برای پژوهش شکل می‌گیرند.

در توضیح بیش‌تر برای چگونگی اجرا و کاربست این روش، می‌توان گفت که در این روش محتوای نظریه شخصی افراد طی مصاحبه‌ها بازسازی می‌شود.

۱۸ ابزارهای گردآوری داده‌ها

جمع‌آوری داده‌ها در ساختار تحلیل کیفی تعاملی به دو شیوه مصاحبه‌های عمقی انفرادی و مصاحبه گروه کانونی صورت می‌گیرد. پایه و اساس شناخت پیوندهای درونی مصاحبه گروه کانونی است، ورودی مصاحبه‌های انفرادی مبنای مصاحبه گروه کانونی قرار می‌گیرد، و در پایان نیز مقایسه تطبیقی بین کدگذاری‌های نظری برآمده از مصاحبه‌های گروه کانونی و مصاحبه‌های عمقی انفرادی صورت می‌گیرد. در هر دو شیوه جمع‌آوری داده، اصول و روش‌هایی در ساختار IQA وجود دارد که نخست مربوط به شناسایی پیوندهای درونی و زیرعناوین آن‌ها و کشف رابطه بین آن‌ها بر مبنای نظر شرکت‌کنندگان است؛ سپس ترسیم

جدول ارتباط بین پیوندهای درونی (Affinity Relationship Table/ ART)، ترسیم نمودار ارتباطات درونی سیستم (Inter Relationship Diagram/ IRD)، و ترسیم نمودار تأثیرگذاری‌های سیستمی (System Influence Diagram/ SID) مراحل سه‌گانه‌ی بازنمایی بصری است که در تحلیل داده‌ها کمک به‌سزایی به محقق خواهد کرد.

۲۸ مرحله‌ی مصاحبه‌ی عمقی فردی

در این مرحله پیوندهای درونی شناسایی می‌شوند که برای کشف معانی پیوندهای درونی آتی در ارتباطات سیستمی‌شان بسیار مهم قلمداد می‌شوند (ibid: 44).

مصاحبه‌ها در این پژوهش به‌صورت نیمه‌ساخت‌یافته انجام می‌شوند و در واقع این مصاحبه‌ها به دنبال آن‌اند که مفاهیم پیوندهای درونی را شرح و گسترش دهند و به‌نوعی دیدگاه‌های دارای انحراف از معیار را نیز شناسایی کنند.

برای هر پیوند درونی سه سؤال مطرح می‌شود که عبارت‌اند از: این به چه معنی است؟ چه چیزی به این معنا می‌انجامد؟ نتایج این مفهوم چیست؟

از این مصاحبه‌ها محقق می‌تواند ساختار نخستین SIDهای فردی را ترسیم کند و پس از آن، با شمارش گزاره‌ها و اظهارات یادداشت‌شده، SID ترکیبی مصاحبه‌های فردی را ارائه دهد و در نهایت به مطالعه‌ی تطبیقی SID ترکیبی گروه‌ها و مصاحبه‌های فردی بپردازد. اهمیت مصاحبه‌های فردی در تحلیل کیفی تعاملی در این است که مؤلفه‌های سیستمی شناسایی شده در گروه‌های کانونی به‌شکل جزئی‌نگر و دقیق در هر مورد مطالعاتی موشکافی می‌شوند.

۳۸ مرحله‌ی مصاحبه‌ی گروه کانونی

پس از شناسایی اهداف و پرسش‌های پژوهش و پس از ترسیم مسیر، نخستین مرحله‌ی جمع‌آوری داده‌ها در روش IQA مصاحبه‌ی گروه کانونی است که از خلال این مصاحبه‌ها شناسایی پیوندهای درونی (affinity) در سیستم مطالعه‌شده، که نرث‌کات و مک‌کوی (ibid) از آن تکه‌پاره‌های (quilt pieces) سیستمی نام می‌برند، بر مبنای اظهار تجربیات شرکت‌کنندگان از پدیدار مورد مطالعه صورت می‌گیرد. هم‌چنین روابط بین این مؤلفه‌ها را همین گروه‌های کانونی شناسایی می‌کنند (ibid) و مجموعه‌ی قوانین و هم‌بستگی‌ها را با الهام از نظریه‌ی سیستمی تحلیل کیفی تعاملی به‌کار می‌برند؛ به منظور این‌که نقشه‌ای ذهنی ترسیم کنند از این‌که گروه چگونه واقعیت مورد نظر را تجربه می‌کند. بر مبنای داده‌های این

اکتشافات سیستمی، جدول ارتباط بین پیوندهای درونی (ART)، نمودار ارتباطات درونی (IRD)، و سپس نمودار تأثیرگذاری‌های سیستمی (SID) ترسیم می‌شود و تحلیل‌ها بر مبنای این ابزارهای روشی صورت می‌گیرد.

۴.۸ استراتژی‌های تجزیه و تحلیل

در روش تحلیل کیفی تعاملی از سه استراتژی تجزیه و تحلیل استفاده می‌شود که در ادامه به اختصار به آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

۱.۴.۸ پیوندهای درونی

در روند تحلیل کیفی تعاملی اجزای معنایی یک پدیدار، که همانند تکه‌پاره‌های سیستمی و یا مؤلفه‌های فردی سیستم را ایجاد می‌کنند، پیوندهای درونی نامیده می‌شوند. پیوندهای درونی اجزایی‌اند که در نقشه‌های ذهنی استفاده می‌شوند و این خود نمایش سیستم تصویری از ترکیب تجربیات زندگی است.

پیوندهای درونی‌ای که گروه‌ها شناسایی می‌کنند برای اسلوب‌گذاری مصاحبه‌های فردی استفاده می‌شوند، که ارزش بیش‌تری برای تشریح معانی پیوندهای درونی و روابط نظام‌مندشان دارند (ibid). می‌توان گفت که پیوندهای درونی در واقع دسته‌بندی معنایی هر سیستم و یا مجموعه سیستم‌ها را نشان می‌دهد که خود تجربیات گروه‌ها از یک پدیدار است (ibid). بر مبنای داده‌ها در شناسایی پیوندهای درونی، ترسیم جدول ارتباط بین پیوندهای درونی (ART) صورت می‌گیرد.

۲.۴.۸ نمودار روابط درونی (IRD)

پس از مشخص کردن پیوندهای درونی، گام بعدی کدگذاری نظری روابط بین پیوندهای درونی است که پس از طرح در مصاحبه‌های گروه کانونی می‌توان به ترسیم نمودار روابط درونی، که توصیف دیداری روابط پیوندهای درونی است، اقدام کرد. در نمودار IRD مثالی که در ادامه آمده است ربط دو مؤلفه پیوند درونی با فلش نمایندگی می‌شود و چنان‌که نرث‌کات و مک‌کوی می‌گویند (ibid: 170): فلش در IRD برای نشان‌دادن رابطه بین دو مؤلفه است که برخلاف سیستم دفترداری، و مانند برنامه‌های حسابداری دوپل، دو بار تکرار می‌شود و $N1 \leftarrow N2$ در نمودار نشان می‌دهد که مؤلفه $N2$ در مؤلفه $N1$ تأثیرگذار است و به‌نوعی می‌تواند ریشه دلالتی $N1$ مؤلفه $N2$ باشد.

در نمودار IRD فلش‌های سمت چپ ورودی‌های سیستم و فلش‌های رو به بالا خروجی‌های سیستم خوانش می‌شوند. تفریق مجموع تعداد خروجی‌های سیستم از ورودی‌های سیستم دلتای سیستم را نشان می‌دهد که در صورتی که این عدد مثبت باشد و خروجی‌ها بیش از ورودی‌ها باشد، آن عدد محرک سیستمی خوانش می‌شود و در صورتی که تعداد ورودی‌ها بیش از تعداد خروجی‌ها باشد و دلتای سیستم منفی شود، به این عدد پیامد سیستمی گفته می‌شود (ibid: 173). در واقع این عدد میزان اثرگذاری مؤلفه را در کلیت سیستم نشان می‌دهد و فهم آن در خوانش مبتنی بر واقعیات سیستمی سهم به‌سزایی خواهد داشت. اگر پیوندهای درونی سیستم را از N1 تا N7 فرض کنیم و ارتباط هفت عامل سیستمی را فرضاً با توجه به تعامل متنی مصاحبه‌ها به‌شکل زیر در نمودار IRD در نظر بگیریم، می‌توانیم نمودار SID منتج از آن را در ادامه مشاهده کنیم.

	N1	N2	N3	N4	N5	N6	N7	OUT	IN	Δ	میین
N1	○	↑	↑	↑	↑	↑	↑	6	0	6	محرک
N2	←	○	↑		←	↑	←	2	3	-1	پیامد
N3	←	←	○		←	←	←	0	5	-5	پیامد
N4	←			○	←		←	0	3	-3	پیامد
N5	←	↑	↑	↑	○		←	3	2	1	محرک
N6	←	←	↑			○	←	1	3	-2	پیامد
N7	←	↑	↑	↑	↑	↑	○	5	1	4	محرک

شکل ۱. نمونه نمودار IRD

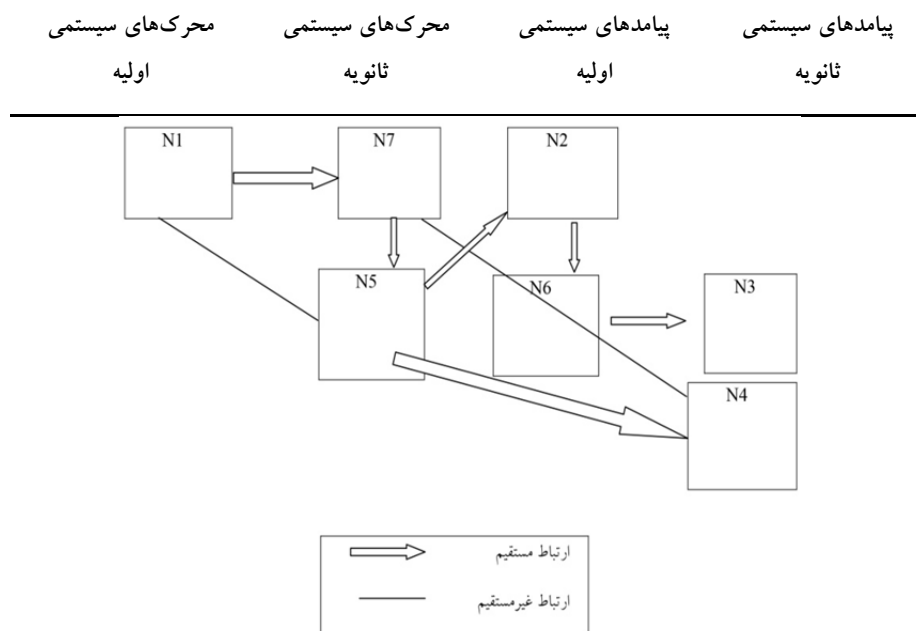
۳.۴.۸ بازنمایی سیستم: ترسیم نمودار تأثیرگذاری‌های سیستمی (SID)

در آخرین مرحله تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه گروه کانونی و مصاحبه‌های عمقی چکیده نتایج اثرگذاری‌های سیستمی در نمودار SID ترسیم می‌شود. برای ترسیم این نمودار

نخست، محرک‌های سیستم را در یک سمت و پیامدهای سیستم را در سمت دیگر در قالب جعبه‌های پیوندهای درونی قرار می‌دهیم. مرحله بعدی، پس از چیش مناسب این جعبه مؤلفه‌های پیوند درونی، نشان‌دادن ارتباط بین آن‌ها با خطوط نمایان‌گر ارتباط است که این خطوط می‌توانند به دو دسته نمایان‌گر ارتباط مستقیم و نمایان‌گر ارتباط غیرمستقیم تقسیم شوند. نرث‌کات و مک‌کوی متذکر می‌شوند که:

در صورتی که آشفتگی و بهم‌ریختگی در شاخه‌های نمودار SID وجود داشته باشد، حتی اگر کاملاً جامع و غنی باشد، می‌تواند برای تعداد اندک مؤلفه‌های پیوند درونی مشکل تفسیر و خوانش نموداری فراهم آورد (ibid: 176).

در واقع نمودار تأثیرگذاری‌های سیستمی در گام نخست برای شناسایی و بازنمایی ارتباط بین مؤلفه‌هایی است که در مصاحبه گروه کانونی به‌منزله پیوندهای درونی سیستمی شناسایی شده‌اند. در ادامه، نمونه نمودار SID بر مبنای داده‌های نمودار پیشین IRD، که از هفت مؤلفه پیوند درونی N1-N7 تشکیل شده بود، ترسیم شده است و می‌توان چگونگی ترسیم نقشه ذهنی را در این نمونه مشاهده کرد.



شکل ۲. نمونه نمودار SID بر مبنای داده‌های نمودار پیشین IRD

۵.۸ استنتاج و تحلیل

چنان‌که نرث‌کات و مک‌کوی (ibid: 45) می‌گویند گزارش نهایی به محقق این امکان را می‌دهد که پیوندهای درونی و روابط بین آن‌ها را در جهت نگاه تطبیقی بین سیستم و افراد توصیف کند و استنتاجش را بر مبنای ویژگی‌های سیستم یا سیستم‌ها ارائه دهد.

گزارش نهایی در تحلیل کیفی تعاملی سه هدف را دنبال می‌کند که عبارت‌اند از: ۱. شناسایی و نام‌بردن مؤلفه‌های سیستم؛ ۲. شرح و توضیح روابط بین مؤلفه‌های سیستم و پویایی سیستم؛ و ۳. مقایسه سیستم‌ها با یکدیگر.

بنیان گزارش نهایی به‌طور کامل برگرفته از گفته‌های شرکت‌کنندگان است. رابطه دیالکتیکی بین منظر گروه‌ها و افراد نیز از طریق مطالعه تطبیقی در حوزه مطالعاتی به‌دست می‌آید. در واقع، در مرحله گزارش پایانی داده‌های مصاحبه‌های گروه کانونی را با داده‌های مصاحبه‌های انفرادی به‌گونه تطبیقی در کنار یکدیگر بررسی می‌کنیم و از غربال این مطالعه تطبیقی دریافت‌های نهایی محققان و دسته‌بندی آنان از مؤلفه‌های اولویت‌دار سیستمی مطرح می‌شود تا توصیفی جزئی‌نگر درباره حوزه مطالعه ارائه کنیم.

۹. انتخاب نمونه؛ نمونه‌گیری تئوریک یا مبتنی بر هدف

در این پژوهش از دو نوع نمونه‌گیری هدفمند و نظری به‌صورت هم‌زمان استفاده شده است. از نمونه‌گیری هدفمند برای گزینش افراد مصاحبه‌شده و از نمونه‌گیری نظری برای تشخیص تعداد افراد، تعیین محل داده‌های مورد نیاز، و یافتن مسیر پژوهش استفاده می‌شود (Depoy and Gitlin, 2005).

نمونه‌گیری نظری عبارت است از نمونه‌گیری بر مبنای مفاهیم در حال ظهور برگرفته از داده‌ها (محمدپور، ۱۳۹۱: ۳۲۵). این نوع نمونه‌گیری روشی است برای گردآوری و تحلیل هم‌زمان داده‌ها بر مبنای تم‌ها و مقوله‌های برگرفته از داده‌ها.

در نمونه‌گیری کیفی تعداد افراد نمونه را با معیار کفایت نظری تعیین می‌کنند؛ یعنی زمانی که محقق به این نتیجه برسد که انجام‌دادن بیش‌تر مصاحبه و مشاهده اطلاعات بیش‌تری در اختیار وی نمی‌گذارد و صرفاً تکرار اطلاعات قبلی است، در این حالت، محقق گردآوری اطلاعات را متوقف می‌کند (Gubrium and Holstein, 2001: 197).

۱.۹ کفایت نظری

معیار قضاوت درباره زمان متوقف‌کردن فرایند جمع‌آوری داده‌ها «کفایت نظری» مقوله‌ها یا نظریه است. کفایت نظری مرحله‌ای است که جمع‌آوری هر گونه داده کمکی به افزایش

ویژگی‌ها و غنای مقوله نکند. به عبارت دیگر، هیچ داده‌ی بیش‌تری یافت نمی‌شود که پژوهش‌گر با آن بتواند مقوله را رشد دهد. به موازاتی که پژوهش‌گر داده‌های مشابه را به دفعات مشاهده می‌کند، از لحاظ تجربی اطمینان حاصل می‌کند که مقوله به کفایت رسیده است (Price and Cameron, 2010: 416).

فرایند تحقق کفایت نظری در این مقاله با ذکر کامل تعداد کدهای باز، مفاهیم، و نیز مقولات ظهوریافته و اصلاح‌شده در جریان کدگذاری مصاحبه‌ها ارائه شده است.

ساختار سؤالات اصلی مصاحبه‌های عمقی انفرادی برون‌ایستادگان

۱. چه شد که تصمیم گرفتید دیگر برنامه‌های صداوسیما را نبینید (یا مطبوعات دولتی را نخوانید)؟
۲. در این تصمیم بیش‌تر دنبال چه چیزی بودید؟
۳. آیا شما در این تصمیم تنهاید یا دوستانتان و یا اعضای خانواده و بستگان هم در این تصمیم با شما همراه‌اند؟ (کسانی که تصمیم مشابهی در اطراف شما گرفته‌اند، چه‌طور به این تصمیم رسیده‌اند؟)
۴. ندیدن تلویزیون دولتی در زندگی روزمره‌تان باعث احساس فقدان یا برتری هم شده است؟
۵. ندیدن تلویزیون دولتی برای شما چه نتیجه‌ای داشته است؟
۶. در مواجهه با تلویزیون یا رسانه‌های دولتی در محیط‌هایی که متعلق به خودتان نیست، چه احساسی دارید؟ (نوستالژی، خشم و نفرت، دل‌سوزی، تأسف، و ...)
۷. کانال‌های کسب اطلاعات و اخبار شما چه ویژگی‌هایی دارند و چگونه شما از آن‌ها استفاده می‌کنید؟

۱. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در هر مصاحبه مفاهیم تعلیلی، که ناظر به چرایی کنش برون‌ایستادگی در فرد بودند، شناسایی شدند و مصاحبه‌هایی که پس از آن انجام می‌شدند به تکمیل مفاهیم برآمده از مصاحبه‌های پیشین و نیز شناسایی مفاهیم جدید کمک می‌کردند.

با توجه به این‌که گزارش تعلیلی و ترسیم نمودارهای ۲۹ مصاحبه‌ی عمقی انفرادی عملاً در چهارچوب این مقاله ممکن نیست، در این مرحله به ذکر مفاهیم برآمده از مصاحبه‌ها و چگونگی تحقق کفایت نظری در مفاهیم شناسایی‌شده بسنده می‌کنیم و در مرحله‌ی مصاحبه‌ی گروه‌کانونی نمودارهای تحلیل کیفی تعاملی برآیند یک گونه‌ی برون‌ایستادگی را ترسیم و گزارش خواهیم کرد.

افراد مصاحبه‌شونده به ترتیب الفبای انگلیسی نام‌گذاری شدند و فرایند شناسایی مفاهیم، چنان‌که در جدول زیر آمده است، به شکل‌گیری و تکمیل مفاهیم تعلیلی مورد پرسش این مقاله انجامید.

جدول ۱. فرایند ظهور مفاهیم و مقولات تا مرز کفایت نظری

	تعداد کدهای باز	تعداد مفاهیم	ظهور مفاهیم جدید	اصلاح مفاهیم قبلی
A	۲۲	۲۴	۲۴	-
B	۲۳	۲۴	۱۵	۷
C	۱۵	۱۸	۵	۵
D	۳۰	۲۹	۸	۴
E	۲۶	۲۷	۷	۵
F	۱۷	۱۹	۲	۴
G	۲۶	۲۶	۵	۴
H	۱۴	۱۵	۲	۲
I	۱۹	۱۹	۵	۲
J	۲۶	۲۴	۳	۳
K	۴۱	۳۷	۷	۱
L	۱۵	۱۳	۳	-
M	۱۶	۱۵	۶	۲
N	۲۳	۲۱	۴	۲
O	۲۴	۲۲	۵	۳
P	۱۷	۱۷	۲	۱
Q	۱۸	۱۹	۱	-
R	۱۹	۱۷	۱	۱
S	۱۶	۱۴	۰	-
T	۲۰	۱۹	۲	۱
U	۱۸	۱۷	۲	-
V	۱۹	۱۸	۱	-
W	۱۸	۱۸	-	-
X	۲۳	۲۱	-	-

۶۰ مطالعه‌ی تعلیلی برون‌ایستادگی از رسانه‌های دولتی در ایران

Y	۳۹	۳۷	-	-
Z	۴۴	۳۹	-	-
AA	۳۸	۳۳	-	-
BB	۲۶	۲۴	-	-
CC	۲۵	۲۲	-	-
جمع				

۱.۱۰ شناسایی مفاهیم تعلیلی اصلی

جدول ۲. شناسایی مفاهیم تعلیلی برون‌ایستادگی

مفاهیم تعلیلی برون‌ایستادگی برآمده از مصاحبه‌های عمقی انفرادی	
۱. آزادی انتخاب در رسانه‌های بدیل	۲. ناسالم بودن اخلاقی رسانه دولتی
۳. شعارزدگی و بی‌محتوایی	۴. توهین به مخاطب و احمق‌پنداری مخاطبان
۵. سوگیری رسانه ملی؛ از خبر تا دیگر محتواها	۶. پرهیز از اتلاف وقت
۷. ابتذال محتوا	۸. نابسندگی اخبار دولتی
۹. دروغین بودن اخبار و محتوا	۱۰. جعلی بودن محتوای رسانه دولتی
۱۱. عادت رسانه‌ای	۱۲. جست‌وجوی آرامش
۱۳. جذابیت رسانه‌های بدیل	۱۴. محتوای فقیر تلویزیون دولتی
۱۵. احساس خشم و نفرت	۱۶. مراقبت از ذهن
۱۷. نارضایتی از سانسور	۱۸. میل به گریز از مواجهه
۱۹. ایدئولوژیک بودن رسانه دولتی	۲۰. تعارض و دوگانگی منتج از صداوسیما
۲۱. برون‌ایستادگی به‌مثابه شأن اجتماعی	۲۲. بی‌اعتمادی به رسانه دولتی
۲۳. ناراحتی و تأسف از وضعیت رسانه دولتی	۲۴. محتوای عموم رسانه‌ها در خدمت سیاست
۲۵. سرخوردگی از انتظار سرگرم‌سازی باکیفیت	۲۶. اعتمادسازی بدیل‌ها
۲۷. احساس گناه و وجدان معذب در صورت مصرف رسانه دولتی	۲۸. خاطرات تلخ فراموش‌ناشدنی
۲۹. خودآگاهی و احترام به خود	۳۰. میل به بی‌خبری
۳۱. مقاومت در برابر ایدئولوژی حاکم	۳۲. جست‌وجوی واقعییت

۲.۱۰ شناسایی گونه‌های برون‌ایستادگی با علل متفاوت از مصاحبه‌های انفرادی

برون‌ایستادگان مطالعه‌شده در این مقاله یک‌دست و از یک گونه نبودند. بر مبنای علل ارائه‌شده مصاحبه‌شوندگان در مصاحبه‌های عمقی انفرادی، سه گونه برون‌ایستادگی با منظرهای متفاوت تعلیلی شناسایی شدند؛ اگرچه حتی می‌توان ادعا کرد که هریک از افراد مطالعه ویژگی‌ها، تجربه‌ها، و ادراک‌هایی متفاوت از دیگری داشتند، اما با هزینه ساده‌سازی می‌توان در نمونه‌های مطالعه‌شده سه گونه برون‌ایستادگی غالب را به شرح زیر شناسایی کرد.

۱.۲.۱۰ برون‌ایستادگی مقاومت - اعتراض

این برون‌ایستادگان، با مقاصد سیاسی و ایدئولوژیک، رسانه‌های دولتی را از سبد مصرف رسانه‌ای خود حذف کرده‌اند و عمل برون‌ایستادگی ناشی از نوعی خشونت پنهان در مواجهه با رسانه دولتی و به‌ویژه تلویزیون است.

تعریف صداوسیما، به‌منزله محصول سیاسی حاکمیت، و تعریف مفاهیمی چون اصل رضایت حاکمیت، سوگیری، تعارض با جامعه، ایدئولوژیک‌بودن، و فاصله‌گذاری با جامعه سازه‌ای تنومند را از رسانه دولتی در ذهن این دسته از برون‌ایستادگان ساخته است که فقط موجب خشم و نفرت آنان در مواجهه با رسانه دولتی شده است.

استراتژی گسست از سوی برون‌ایستاده و استراتژی فاصله‌گذاری از سوی رسانه دولتی عملاً به شکاف عمیقی بین این دسته از برون‌ایستادگان با رسانه‌های دولتی و صداوسیما منجر شده است.

مخالفت سیاسی، که در مصاحبه‌های متعدد این مقاله تکرار شد، بخشی از هویت‌یابی و شکل‌گیری «ما» و «دیگری» رسانه‌ای است، اگرچه این فاصله‌گذاری در گونه‌های دیگر برون‌ایستادگی نیز حضوری مشهود دارد، اما در برون‌ایستادگان اعتراض - مقاومت با بُعد و شدت بیشتری از این فاصله روبرویم.

۲.۲.۱۰ برون‌ایستادگی سرگرمی خواه ناراضی

برون‌ایستادگان سرگرمی خواه ناراضی کسانی‌اند که به ادراکی از «بی‌مایگی رسانه دولتی» رسیده‌اند و در فضای تکثر رسانه‌ای و انتخاب‌گری حاکم بر فضای مجازی و تلویزیون‌های ماهواره‌ای جانشین‌های دیگری را برای تأمین نیازهای رسانه‌ای خود، که عموماً بر محور سرگرمی می‌چرخد، پیدا کرده‌اند. کنش برون‌ایستادگی آن‌ها، علاوه بر موضعی که در برابر محتوای متون سرگرمی رسانه دولتی پیدا کرده‌اند و آن را جعلی و غیرواقعی می‌دانند، به‌گونه تلویحی و ضمنی متضمن نوعی ایده سیاسی است.

آن‌ها از نوعی سیاست‌زدگی در تلویزیون دولتی سخن می‌گویند که دامن برنامه‌های سرگرمی و حتی برنامه‌های کودکان را گرفته است و به تعبیری «محتوای پاک و خالص سرگرمی» را آغشته به نوعی سیاست‌زدگی ملموس می‌کند که بیننده‌ی غیرسیاسی از آن پرهیز می‌کند و تاب نمی‌آورد. در مصاحبه‌های انجام‌شده نیز به‌کرات شاهد بوده‌ایم که از سانسور فیلم‌ها و سریال‌ها و از حکم‌رانی دروغ و تزویر بر رسانه‌ی دولتی سخن می‌گویند. این برون‌ایستادگان اگرچه «میل به بی‌خبری» دارند و پی‌گیر اخبار سیاسی روز نیستند و در برابر وقایع و روی‌دادهای سیاسی موضع «بی‌تفاوتی» را اتخاذ می‌کنند، اما دچار بی‌اعتمادی مفرط به اخبار رسانه‌های دولتی‌اند.

۳.۲.۱۰ برون‌ایستادگی ابتدال

برون‌ایستادگان ابتدال کسانی‌اند که عموماً به‌صورت تدریجی و گاه در مقایسه با دیگر رسانه‌ها و در نیل به ادراک بینارسانه‌ای محتوای رسانه‌های دولتی را فقیر و کم‌مایه دانسته‌اند و وقتی را که به مصرف رسانه اختصاص داده‌اند گران و موجب خسران یافته‌اند. در مواردی از نمونه‌های مطالعاتی این مقاله می‌توان از تجربه‌ی نوعی «تقوا و پرهیز رسانه‌ای» نیز سخن گفت که میل به ابتدال رسانه و متن رسانه‌ای را بر نمی‌تابند. آنان بر «مراقبت از ذهن» و ممانعت از مواجهه با هر متن رسانه‌ای که آن را سطحی، عوامانه، مبتذل، و بی‌مایه بپندارند پای‌بندند.

این برون‌ایستادگان از شعارزدگی و بی‌محتوایی و توخالی‌بودن رسانه‌های دولتی گریزان‌اند؛ اگرچه اینان در انتخاب‌های جانشین رسانه‌ای‌شان عموماً احساس رضایت تام نمی‌کنند، اما کنش مرجحشان ترک رسانه‌ی دولتی داخلی و رجوع به دیگر رسانه‌های متکثر جهانی است.

۳.۱۰ گزارش اجرای مصاحبه‌های گروه کانونی

پس از مصاحبه‌های عمقی انفرادی، با تفکیک گونه‌های برون‌ایستادگی شناسایی‌شده، از شرکت‌کنندگان در گونه‌های هم‌سان برون‌ایستادگی، در قالب گروه با تجمیع افراد وفادار به الگوی هم‌سان، گروه‌های کانونی شکل داده شد و از اعضای گروه‌ها خواسته شد که درباره‌ی مفاهیم شناسایی‌شده، به‌منزله‌ی پیوندهای درونی سیستم برون‌ایستادگی، اعلام‌نظر کنند و از میان آن‌ها انتخاب کنند، در صورت نیاز به آن‌ها مواردی را بیفزایند، و یا جرح و تعدیل کنند.

در این فرایند پیوندهای درونی شناسایی شده گروه کانونی را خود اعضا مجدداً داوری کردند. بنابراین، محقق از این طریق می‌تواند به شناسایی پیوندهای درونی اقدام و نیز جدول تأثیرگذاری‌های سیستمی را ترسیم کند. کدگذاری و نام‌گذاری مفاهیم پیوندهای درونی نیز در همین مرحله انجام شد. تعاریف پیوندهای درونی عمدتاً مفهومی‌اند و برای ارائه نمودارهای روابط پیوندهای درونی ناگزیریم که به هر مفهوم نامی را اختصاص دهیم. این فرایند در هر سه مصاحبه گروه کانونی تا نیل به الگویی تعلیلی ادامه خواهد یافت.

۱.۳.۱۰ اجرای مصاحبه گروه کانونی برون‌ایستادگان اعتراض - مقاومت

الف) شناسایی پیوندهای درونی: چنان‌که ذکر شد، در ابتدای مصاحبه گروه کانونی مفاهیم تعلیلی شناسایی شده، در خلال مصاحبه‌های پایه نظریه داده‌بنیاد، با اعضا در میان گذاشته شد و اعضا در انتخاب مفاهیم و یا طرح مقولات جدید و ساختن مفاهیمی تازه آزاد بودند. از میان مفاهیم طرح شده و بحث‌های پیشین در مصاحبه گروه کانونی مفاهیمی که مورد اتفاق و اجماع نظر اعضا بودند، به منزله پیوندهای درونی سیستم برون‌ایستادگی، شناسایی شدند و تحلیل کیفی تعاملی برپایه آن در هر گروه برون‌ایستادگی انجام شد. نام‌های پیوندهای درونی در سیستم مطالعه‌شده و مفاهیم مدنظر هر پیوند، با توجه به دیدگاه‌های اعتباری اعضای گروه کانونی، به قرار زیر شناسایی شده‌اند:

جدول ۳. نام‌های پیوندهای درونی در سیستم مطالعه‌شده و مفاهیم مدنظر هر پیوند

نام پیوند درونی	مفهوم پیوند درونی
آرامش	پرهیز از تنش‌های عصبی و روانی
پرهیز از ایدئولوژی حاکم	گریز از سیاست و جهان‌بینی حاکمیت آشکارشده در رسانه دولتی
گریز از ابتذال	اجتناب از محتوای نازل و بی‌مایه
گریز از دروغ	پرهیز از محتوای جعلی و غیرواقعی
وجدان معذب	احساس گناه و ناخوشایندی از خود به‌علت وفادارن‌بودن به عقیده
احساس خشم	عصبانیت از متون رسانه دولتی
اعتراض	اعتراض به جامعه و حاکمیت
آزادی	اختیار گریز از محدودیت‌ها و بهره‌مندی از تکثر و حق انتخاب بدیل‌ها
جذابیت بدیل‌ها	جست‌وجوی معطوف به نتیجه نیاز رسانه‌ای در رسانه‌های جان‌نشین
احترام به خود	بالا‌تردانستن شأن خود از مواجهه با رسانه دولتی / فردیت برجسته

ب) ترسیم گرافیکی داده‌ها: چنان‌که پیش‌تر ذکر شد، در تحلیل کیفی تعاملی، پس از شناسایی پیوندهای درونی، روابط این پیوندها براساس نظر اعضای گروه کانونی شناسایی می‌شود و سه نمودار ART و IRD و SID بر مبنای شناسایی این روابط از سوی اعضای گروه کانونی ترسیم می‌شوند که شالوده اصلی تحلیل را شکل می‌دهند. در ادامه، بر مبنای نظرهای اعضای گروه کانونی، نمودارهای یادشده در گونه‌های برون‌ایستادگی بیان خواهد شد.

جدول ۴. روابط پیوندهای درونی (ART) برون‌ایستادگان اعتراض - مقاومت

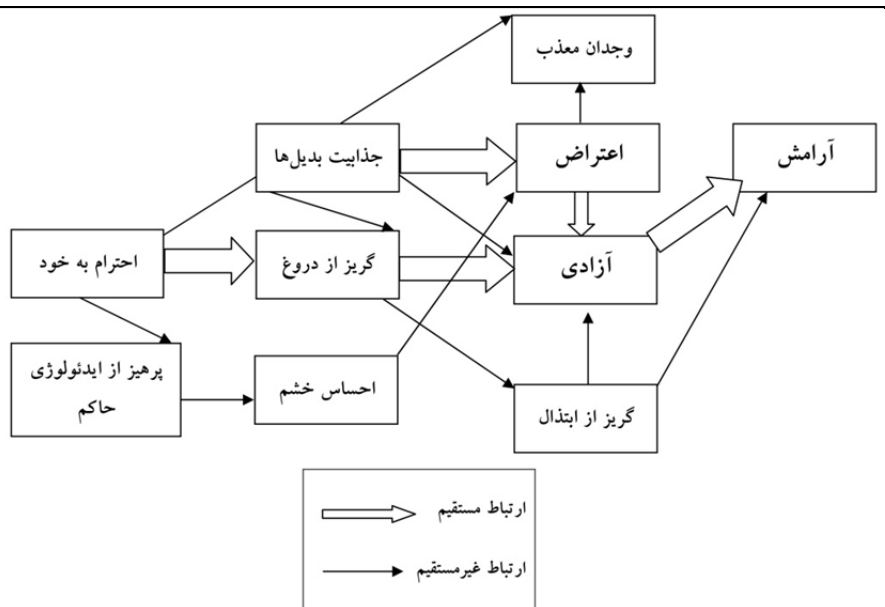
فرآوانی	رابطه بین پیوندها	فرآوانی	رابطه بین پیوندها
۵	گریز از ابتدال → احترام به خود	۶	آرامش → پرهیز از ایدئولوژی
	گریز از دروغ ◇ وجدان معذب	۵	آرامش → گریز از ابتدال
	گریز از دروغ ◇ احساس خشم	۷	آرامش → گریز از دروغ
۳	گریز از دروغ ← اعتراض		آرامش ◇ وجدان معذب
۴	گریز از دروغ ← آزادی		آرامش ◇ احساس خشم
	گریز از دروغ ◇ جذابیت بدیل‌ها		آرامش ◇ اعتراض
۵	گریز از دروغ → احترام به خود	۴	آرامش → آزادی
	وجدان معذب ◇ احساس خشم		آرامش ◇ جذابیت بدیل‌ها
	وجدان معذب ◇ اعتراض	۴	آرامش → احترام به خود
	وجدان معذب ◇ آزادی		پرهیز از ایدئولوژی ◇ گریز از ابتدال
	وجدان معذب ◇ جذابیت بدیل‌ها	۳	پرهیز از ایدئولوژی ← گریز از دروغ
۳	وجدان معذب → احترام به خود		پرهیز از ایدئولوژی ◇ وجدان معذب
۷	احساس خشم ← اعتراض		پرهیز از ایدئولوژی ◇ احساس خشم
	احساس خشم ◇ آزادی		پرهیز از ایدئولوژی ◇ اعتراض

	احساس خشم ◊ جذابیت بدیل‌ها	۴	پرهیز از ایدئولوژی ← آزادی
	احساس خشم ◊ احترام به خود		پرهیز از ایدئولوژی ◊ جذابیت بدیل‌ها
۴	اعتراض ← آزادی	۴	پرهیز از ایدئولوژی → احترام به خود
	اعتراض ◊ جذابیت بدیل‌ها		گریز از ابتذال ◊ گریز از دروغ
۳	اعتراض → احترام به خود		گریز از ابتذال ◊ وجدان معذب
۵	آزادی → جذابیت بدیل‌ها		گریز از ابتذال ◊ احساس خشم
	آزادی ◊ احترام به خود		گریز از ابتذال ◊ اعتراض
	جذابیت بدیل‌ها ◊ احترام به خود		گریز از ابتذال ◊ آزادی
		۳	گریز از ابتذال → جذابیت بدیل‌ها

در تحلیل کیفی تعاملی سیستم برون‌ایستادگی اعتراض - مقاومت، پس از شناسایی و ترسیم جدول روابط پیوندهای درونی، نمودار IRD سیستمی برای شناسایی محرک‌ها و پیامدهای سیستمی ترسیم می‌شود.

جدول ۵. روابط درونی سیستم برون‌ایستادگی اعتراض - مقاومت (IRD)

میتن	دلنا	ورودی	خروجی	احترام به خود	جذابیت بدیل‌ها	آزادی	اعتراض	احساس خشم	وجدان معذب	گریز از دروغ	گریز از ابتذال	پرهیز از ایدئولوژی حاکم	آرامش	
پیامد	-۵	۵	۰	→		→				→	→	→	◇	آرامش
محرک	۲	۱	۳	→		↑				↑		◇	↑	پرهیز از ایدئولوژی حاکم
پیامد	-۱	۲	۱	→	→						◇		↑	گریز از ابتذال
محرک	۱	۲	۳	→		↑	↑			◇		→	↑	گریز از دروغ
پیامد	-۱	۱	۰	→					◇					وجدان معذب
محرک	۱	۰	۱				↑	◇						احساس خشم
پیامد	-۲	۳	۱	→		↑	◇	→		→				اعتراض
پیامد	-۲	۳	۱			◇	→			→		→	↑	آزادی
محرک	۱	۰	۱		◇						↑			جذابیت بدیل‌ها
محرک	۶	۰	۶	◇			↑		↑	↑	↑	↑	↑	احترام به خود



شکل ۳. نمودار تأثیرگذاری‌های سیستمی (SID) برون‌ایستادگان اعتراض - مقاومت

در خوانش نمودار SID باید در نظر داشت که عوامل محرک اولیه از نظر تعلیلی تأثیر بالایی در سیستم دارند. مؤلفه «احترام به خود»، با ایفای نقش محوری در برون‌ایستادگی اعتراض - مقاومت و با نشان‌دادن برجستگی فردیت در عوامل محرک این سیستم اجتماعی، با انگاره‌ی بالاتر بودن شأن برون‌ایستاده از مواجهه با رسانه‌ی دولتی، به انضمام پرهیز از ایدئولوژی حاکم، از خلال مؤلفه‌های میانی و با طی مراحل اعتراض با هدف نیل به آزادی، در نهایت پیامد سیاسی آرامش را دنبال می‌کند که خود مؤلفه مهمی در این تحلیل تعلیلی است. آرامش، به‌منزله نقطه‌ی کانونی پیامد برون‌ایستادگان اعتراض - مقاومت، حکایت از ناآرامی در وضعیت فعلی رسانه‌ای دارد و، با توجه به مقاصد سیاسی و ایدئولوژیک این‌گونه از برون‌ایستادگان، می‌توان نتیجه گرفت که رسانه‌ی دولتی برساننده‌ی ناآرامی سیاسی و ایدئولوژیک برای این‌گونه از برون‌ایستادگان است.

۲.۳.۱۰ اجرای مصاحبه‌ی گروه کانونی برون‌ایستادگان سرگرمی‌خواه ناراضی

الف) شناسایی پیوندهای درونی: چنان‌که تشریح شد، در پیاده‌سازی مصاحبه‌های گروه کانونی این‌گونه نیز، با توجه به طی فرایند مصاحبه‌های عمقی انفرادی در مرحله «نظریه‌ی داده‌بنیاد»،

مفاهیم تعلیلی با گروه کانونی در میان گذاشته شد و پس از اعمال نظر آنان به صورت جرح و تعدیل شده، به منزله پیوندهای درونی سیستم برون‌ایستادگی، شناسایی شد. در این گروه کانونی پیوندهای درونی، که اعضای گروه به وجود آن‌ها به منزله علتی سیستمی اذعان داشتند، موارد زیر بوده‌اند که هر یک را، با توجه به مفهومشان، اعضای گروه کانونی نام‌گذاری کرده‌اند.

جدول ۶. نام‌های پیوندهای درونی در سیستم مطالعه‌شده و مفاهیم مدنظر هر پیوند

نام پیوند درونی	مفهوم پیوند درونی
آزادی انتخاب در بدیل‌ها	تأمین نیازهای متکثر سرگرمی در رسانه‌های دیگر
بی‌مایگی رسانه دولتی	بی‌محتوایی، تکراری بودن، و توخالی بودن رسانه دولتی
دست‌کاری واقعیت	صراحت‌نداشتن محتوا و سانسور فیلم و سریال و خبر
بی‌تفاوتی	بی‌اعتنایی به وضعیت رسانه‌های دولتی و جامعه
نارضایتی از جامعه	مقصدانستن جامعه و ابراز ناخرسندی از وضعیت اجتماعی
تأمین‌نکردن سرگرمی	بی‌توجهی به نیاز سرگرمی شهروندان
سیاسی و ایدئولوژیک بودن	سیاست‌زده‌بودن تلویزیون در متون سرگرمی

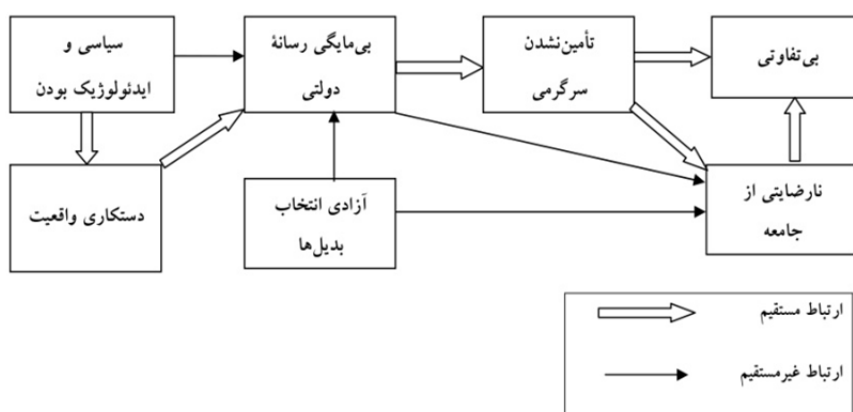
ب) ترسیم گرافیکی داده‌ها: چنان‌که در گونه برون‌ایستادگان اعتراض — مقاومت شناسایی شد، در مرحله دیگر اجرای تحلیل کیفی تعاملی برای تحلیل داده‌های مصاحبه گروه کانونی برون‌ایستادگان سرگرمی خواه نارضی، ترسیم دیداری داده‌ها با توجه به دیدگاه‌های شرکت‌کنندگان در گروه کانونی و در نتیجه استنتاج محقق پیش‌برنده مطالعه انجام خواهد شد. در این مرحله نخست از شرکت‌کنندگان خواسته شد که روابط بین پیوندهای درونی را در سیستم برون‌ایستادگی‌شان شناسایی کنند. در هر مورد فراوانی موافقان با رابطه بین پیوندهای درونی شمارش شد که نشان‌دهنده میزان قدرت این رابطه‌ها در نظر شرکت‌کنندگان گروه کانونی است. در ادامه سه نمودار دیداری IQA آورده خواهد شد که مبنای تحلیل کیفی تعاملی در این مصاحبه گروه کانونی خواهد بود.

جدول ۷. روابط پیوندهای درونی (ART) برون‌ایستادگان سرگرمی خواه ناراضی

فرآوانی	رابطه بین پیوندها	فرآوانی	رابطه بین پیوندها
۳	دست‌کاری واقعیت ← بی‌تفاوتی		آزادی انتخاب بدیل‌ها ◇ بی‌مایگی رسانه دولتی
۴	دست‌کاری واقعیت ← نارضایتی از جامعه		آزادی انتخاب بدیل‌ها ◇ دست‌کاری واقعیت
۳	دست‌کاری واقعیت ← تأمین‌نکردن سرگرمی	۳	آزادی انتخاب بدیل‌ها ← بی‌تفاوتی
۴	دست‌کاری واقعیت → سیاسی و ایدئولوژیک‌بودن	۴	آزادی انتخاب بدیل‌ها ← نارضایتی از جامعه
۴	بی‌تفاوتی → نارضایتی از جامعه		آزادی انتخاب بدیل‌ها ◇ تأمین‌نکردن سرگرمی
۳	بی‌تفاوتی → تأمین‌نکردن سرگرمی		آزادی انتخاب بدیل‌ها ◇ سیاسی و ایدئولوژیک‌بودن
	بی‌تفاوتی ◇ سیاسی و ایدئولوژیک‌بودن	۵	بی‌مایگی رسانه دولتی → دست‌کاری
۳	نارضایتی از جامعه → تأمین‌نکردن سرگرمی	۴	بی‌مایگی رسانه دولتی ← بی‌تفاوتی
۴	نارضایتی از جامعه → سیاسی و ایدئولوژیک‌بودن	۴	بی‌مایگی رسانه دولتی ← نارضایتی از جامعه
۳	تأمین‌نکردن سرگرمی → سیاسی و ایدئولوژیک‌بودن	۶	بی‌مایگی رسانه دولتی ← تأمین‌نکردن سرگرمی
		۴	بی‌مایگی رسانه دولتی → سیاسی و ایدئولوژیک‌بودن

جدول ۸. روابط درونی سیستم برون‌ایستادگان سرگرمی‌خواه ناراضی (IRD)

مبین	دلتا	ورودی	خروجی	سیاسی و ایدئولوژیک‌بودن	تأمین‌نکردن سرگرمی	ناراضایی از جامعه	بی‌تفاوتی	دست‌کاری واقعیت	بی‌مایگی رسانهٔ دولتی	آزادی انتخاب بدیل‌ها	
محرك	۲	۰	۲			↑	↑			◇	آزادی انتخاب بدیل‌ها
محرك	۱	۲	۳	→	↑	↑	↑	→	◇		بی‌مایگی رسانهٔ دولتی
محرك	۳	۱	۴	→	↑	↑	↑	◇	↑		دست‌کاری واقعیت
پیامد	-۵	۵	۰		→	→	◇	→	→	→	بی‌تفاوتی
پیامد	-۴	۵	۱	→	→	◇	↑	→	→	→	ناراضایی از جامعه
پیامد	-۱	۳	۲	→	◇	↑	↑	→	→		تأمین‌نکردن سرگرمی
محرك	۴	۰	۴	◇	↑	↑		↑	↑		سیاسی و ایدئولوژیک‌بودن



شکل ۴. نمودار تأثیرگذاری‌های سیستمی (SID)

در تحلیل سیستم برون‌ایستادگان سرگرمی‌خواه ناراضی شرکت‌کننده، با توجه به نمودار SID، به‌طور خلاصه می‌توان گفت، برخلاف تصور پیشینی که این‌گونه از برون‌ایستادگان را غیرسیاسی می‌داند، دو مؤلفه «سیاسی و ایدئولوژیک بودن» و «دستکاری واقعیت» مؤلفه‌های محرک اصلی سیستم برون‌ایستادگی سرگرمی‌خواهی است که در نهایت پیامدی چون بی‌تفاوتی و نارضایتی از جامعه را به دنبال خواهد داشت. با توجه به این‌که این بی‌تفاوتی در نقطه کانون پیامدی نمودار قرار گرفته است، می‌توان گفت که موجه دانستن بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی به جامعه و وضعیت اجتماعی آن، که متضمن نوعی گریز از آزادی به تعبیر فروم و یا گریز از مسئولیت اجتماعی است، نقطه مطلوبی است که این دسته از برون‌ایستادگان از آن در نگاه تعلیلی سیستمی‌شان احساس رضایت و مطلوبیت می‌کنند.

۳.۳.۱۰ اجرای مصاحبه گروه کانونی برون‌ایستادگان ابتدال

الف) شناسایی پیوندهای درونی: در این گروه از برون‌ایستادگان نیز مفاهیم تعلیلی شناسایی شده در مراحل پیشین با گروه کانونی در میان گذاشته شد و پس از اعمال نظر آنان به‌صورت جرح و تعدیل شده، به‌منزله پیوندهای درونی سیستم برون‌ایستادگی، شناسایی و به‌کمک هفت عضو گروه کانونی نام‌گذاری شدند.

جدول ۹. نام‌های پیوندهای درونی در سیستم مطالعه‌شده و مفاهیم مدنظر هر پیوند

نام پیوند درونی	مفهوم پیوند درونی
مراقبت از ذهن	دیده‌بانی ذهن برای جلوگیری از پالودن به عصبیت و بیهودگی ناشی از احترام به خود
وفاداری به سلامت و اخلاق	ناسالم‌بودن تلویزیون از لحاظ اخلاقی به دلیل دروغ و تزویر و کوتاه‌بینی
انتظار احترام از سوی رسانه	گریز از احمق‌پنداری مخاطب و سرخوردگی انتظار احترام
ارزشمند دانستن زمان	پرهیز از اتلاف وقت
گریز از ابتدال	سطحی‌بودن و عوام‌زدگی در رسانه دولتی
پرهیز از تعارض و دوگانگی	گریز از مواجهه با تزویر و جهان‌فاصله‌گذاری شده رسانه دولتی
آرامش	پرهیز از تنش ذهنی و عصبی

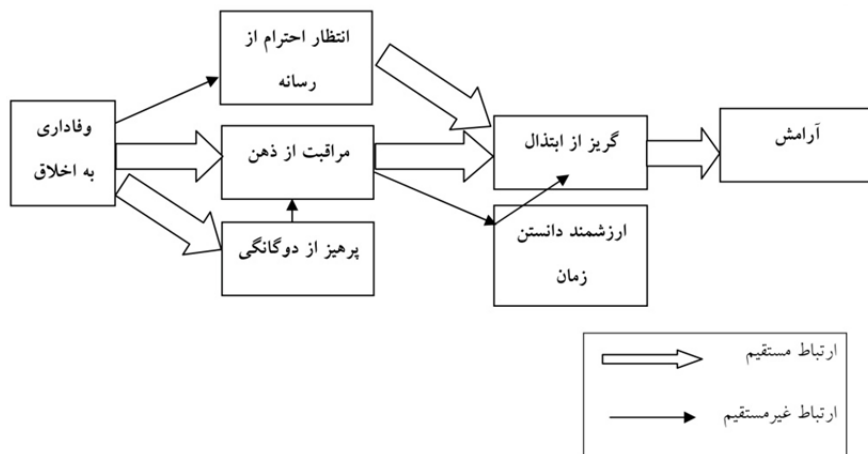
بنابراین پیوندهای درونی سیستمی در نگاه برون‌ایستادگان ابتدال از شش مؤلفه تشکیل شده است که عبارت‌اند از: مراقبت از ذهن، وفاداری به سلامت و اخلاق، انتظار احترام از رسانه، ارزشمند دانستن زمان، گریز از ابتدال، پرهیز از تعارض و دوگانگی، و آرامش. در مرحله بعد ارتباط‌های سیستمی این مؤلفه‌ها، با داوری اعضای گروه کانونی، شناسایی می‌شوند تا منتج به مدل تعلیلی و نمودار SID شود. در این جدول و نمودار IRD که پس از آن آورده می‌شود، دیدگاه‌های شرکت‌کنندگان در خصوص ارتباط بین مؤلفه‌های درونی شناسایی شد که حاصل آن در جدول زیر گزارش می‌شود.

جدول ۱۰. روابط پیوندهای درونی (ART) برون‌ایستادگان ابتدال

فراوانی	رابطه بین پیوندها	فراوانی	رابطه بین پیوندها
۴	انتظار احترام از سوی رسانه ← ارزشمندانستن زمان	۵	مراقبت از ذهن → وفاداری به سلامت و اخلاق
۳	انتظار احترام از سوی رسانه ← گریز از ابتدال	۳	مراقبت از ذهن ← انتظار احترام از سوی رسانه
	انتظار احترام از سوی رسانه ◇ پرهیز از دوگانگی و تعارض		مراقبت از ذهن ◇ ارزشمندانستن زمان
	انتظار احترام از سوی رسانه ◇ آرامش	۴	مراقبت از ذهن ← گریز از ابتدال
	ارزشمندانستن زمان ◇ گریز از ابتدال	۴	مراقبت از ذهن → پرهیز از دوگانگی و تعارض
	ارزشمندانستن زمان ◇ پرهیز از دوگانگی و تعارض	۴	مراقبت از ذهن ← آرامش
	ارزشمندانستن زمان ◇ آرامش		وفاداری به سلامت و اخلاق ◇ انتظار احترام از سوی رسانه
	گریز از ابتدال ◇ پرهیز از دوگانگی و تعارض		وفاداری به سلامت و اخلاق ◇ ارزشمندانستن زمان
۵	گریز از ابتدال ← آرامش	۵	وفاداری به سلامت و اخلاق ← گریز از ابتدال
۶	پرهیز از دوگانگی و تعارض ← آرامش	۳	وفاداری به سلامت و اخلاق ← پرهیز از دوگانگی و تعارض
		۳	وفاداری به سلامت و اخلاق ← آرامش

جدول ۱۱. روابط درونی سیستم برون‌ایستادگی ابتدال (IRD)

مبتین	دلتا	ورودی	خروجی	آرامش	پرهیز از دوگانگی	گریز از ابتدال	ارزشمندیانستن زمان	انتظار احترام از رسانه	وفاداری به سلامت و اخلاق	مراقبت از ذهن	
محرک	۱	۲	۳	↑	→	↑		↑	→	◇	مراقبت از ذهن
محرک	۴	۰	۴	↑	↑	↑			◇	↑	وفاداری به سلامت و اخلاق
محرک	۱	۱	۲			↑	↑	◇		→	انتظار احترام از رسانه
پیامد	-۱	۱	۰				◇	→			ارزشمندیانستن زمان
پیامد	-۲	۳	۱	↑		◇		→	→	→	گریز از ابتدال
محرک	۱	۱	۲	↑	◇				→	↑	پرهیز از دوگانگی
پیامد	-۴	۴	۰	◇	→	→			→	→	آرامش



شکل ۵. نمودار تأثیرگذاری‌های سیستمی (SID) برون‌ایستادگان ابتذال

با توجه به ترسیمات دیداری، به‌ویژه نمودار SID، می‌توان گفت که محرک اصلی در برساختن برون‌ایستادگی ابتذال وفاداری به اخلاق و سلامت نفس در میان شرکت‌کنندگان بوده است. مراقبت از ذهن و تقوای رسانه‌ای در صورت‌های گوناگون آن گریز از ابتذال را در سیستم برون‌ایستادگی این افراد تعریف کرده است که در نهایت اصلی‌ترین پیامد خود را آرامش تعریف می‌کند. با این وصف، می‌توان گفت که آرامش نقطه مطلوب پیامدی برای برون‌ایستادگان ابتذال مشارکت‌کننده در این مطالعه بوده است.

۱۱. جمع‌بندی یافته‌های تحلیل کیفی تعاملی

مطالعه تحلیل کیفی تعاملی، با استفاده از مصاحبه‌های عمقی انفرادی از ۲۹ شرکت‌کننده و گونه‌های شناسایی شده برون‌ایستادگی، و هم‌چنین با توجه به اجرای سه مصاحبه گروه‌کانونی در طبقه‌بندی سه‌گانه برون‌ایستادگی، به دنبال کشف علت‌یابانه کنش برون‌ایستادگی در هریک از گونه‌های شناسایی شده بوده است. در بررسی تطبیقی مفاهیم اصلی و پیوندهای درونی سیستم برون‌ایستادگی نتایجی به‌دست آمد که در قالب گزاره‌های زیر تحلیل‌پذیر است.

۱.۱۱ آرامش؛ قرابت مطلوبیت پیامدی در برون‌ایستادگان اعتراض — مقاومت و برون‌ایستادگان ابتدال

آنچه در مواجهه با گونه‌های برون‌ایستادگی در گام نخست و از نتایج نظریه داده‌بنیاد برنمی‌آید و تحلیل کیفی تعاملی توانسته است آن را مشخص کند این است که برون‌ایستادگان اعتراض - مقاومت و برون‌ایستادگان ابتدال، با نقطه عزیمت‌هایی که فرسنگ‌ها با یکدیگر فاصله دارند، نقطه اشتراکی در مطلوبیت پیامدی‌شان دارند که «آرامش» است. آرامش با انفعال و وضعیت بی‌عملی اجتماعی و سیاسی پیوند می‌خورد و این نتیجه‌ای جز برون‌ایستادگی توأم با سکوت سنگین اجتماعی در جامعه تحت مطالعه نخواهد داشت.

این پیامد معطوف به هدف در برون‌ایستادگی سرگرمی خواه نیز به شکل بی‌تفاوتی بروز می‌کند، که مشابه همین انفعال و بی‌عملی انتقادی را رقم می‌زند و می‌توان چنین نتیجه گرفت که در گونه‌های برون‌ایستادگی مطالعه‌شده، انتظار عمل انتقادی و اصلاحی نمی‌رود و برون‌ایستادگی فرایندی نه رو به جلو و اصلاحی که روندی «درخود فرورونده» است.

۲.۱۱ برجستگی ایدئولوژی و سیاست‌زدگی متون رسانه‌ای برای برون‌ایستادگان سرگرمی خواه

دیگر واقعیتی که با مطالعه «نظریه داده‌بنیاد» پنهان مانده بود و تحلیل کیفی تعاملی آن را برملا کرد این بود که، برخلاف آنچه در بادی امر اندیشیده می‌شد، برون‌ایستادگی سرگرمی خواه نیز سویه‌های پررنگ ضدایدئولوژیک و ضدسیاست‌زدگی در متون رسانه‌ای دارد و مؤلفه اصیل محرک برون‌ایستادگی‌اش را در گریز از ایدئولوژی و سیاست تعریف می‌کند.

با این وصف، و با توجه به این که در برون‌ایستادگی ابتدال نیز بر مفهوم دوگانگی و جهان فاصله‌گذاری شده رسانه دولتی مغایر با جهان برون‌ایستادگان تأکید شده است، می‌توان برون‌ایستادگی را امری سیاسی دانست.

۳.۱۱ فرایند برون‌ایستادگی متضمن نوعی گریز

در هر سه گونه برون‌ایستادگی شناسایی شده مفاهیمی چون آرامش و بی‌تفاوتی و فاصله‌گرفتن از جامعه جزء پیامدهای برون‌ایستادگی تعریف شده‌اند که در نظر

برون‌ایستادگان نیز عملاً به هیچ نتیجه‌ی ایجابی و اصلاحی درباره‌ی رسانه‌ی دولتی و جامعه نمی‌انجامند. بنابراین، کنش برون‌ایستادگی متضمن نوعی توجیه و وضعیت نابه‌سامان در نظر کنش‌گر و گریز از آن است.

۴.۱۱ محرک‌های سیستمی مشابه در برون‌ایستادگان ابتدال و برون‌ایستادگان اعتراض - مقاومت

برجستگی فردیت در برون‌ایستادگان ابتدال خود را در پیوندهای درونی و مؤلفه‌هایی چون «احترام به خود»، «وفاداری به اخلاق» که نه اخلاقی ایستا و نص‌گونه که اخلاقی خودآیین و پویاست، و یا «مراقبت از ذهن»، که در واقع مراقبت از نفس است و منتج از خودانگاره کنش‌گر و شأنی که برای خود قائل است، نشان می‌دهد. این فردیت در مؤلفه‌ی محوری برون‌ایستادگی اعتراض - مقاومت نیز در قالب «احترام به خود» ظاهر می‌شود. این همه، نشان از فردی‌بودن کنش برون‌ایستادگی و مشابهت آن در گونه‌های برون‌ایستادگی دارد. بنابراین، درباره‌ی برون‌ایستادگان می‌شود از جمعیت پنهان و گم‌نامی سخن گفت که در رضایت‌ها و آرامش‌ها و فراموشی‌های فردی‌شان میلی به گروه‌شدن و اجتماع‌شدن ندارند و فردیتشان تصمیم‌گیرنده‌ی اصلی میدان برون‌ایستادگی است.

۱۲. نتیجه‌گیری

در این مقاله با ترسیم ویژگی‌های برون‌ایستادگان و تحلیل تعلیلی برون‌ایستادگی به دنبال آن بودیم که به‌مثابه‌ی زنگ هشدار برای مدیران و سیاست‌گذاران رسانه‌های دولتی در ایران عمل کنیم. این زنگ هشدار ناشی از اتخاذ سیاست فاصله‌گذاری در رسانه‌های دولتی است که آرام برخی مخاطبان را در هم ریخته است و آنان در طلب آرامش استراتژی گسست را انتخاب کرده‌اند.

در این مقاله با ترسیم مفاهیم کانونی برون‌ایستادگی و با برشمردن علل ظاهری و تلویحی برون‌ایستادگی می‌توان، به‌منزله‌ی واقعیت سخت ترسیم‌شده، راه را برای آشتی سیاست‌گذاران رسانه‌های دولتی و برون‌ایستادگان گشود و به‌درون‌کشیدن آنان را با تغییر و تعدیل وضعیت خود ممکن کرد.

ترسیم اهداف راه‌بردی، راه‌بردها، و الگوهای اقدام رسانه‌های دولتی برای کاستن فاصله و به‌درون‌کشیدن برون‌ایستادگان، در حکم عنوان پژوهشی مستقل در حیطه‌ی مدیریت رسانه،

می‌تواند راه‌گشای تداوم این تحقیق باشد و دغدغه‌های پنهان این مقاله را به انضمامی شدن هدایت کند.

پی‌نوشت

۱. دولت در این مقاله به مفهوم حاکمیت (state) است و نه هیئت اجرایی دولت.

کتاب‌نامه

- آدورنو، تئودور و ماکس هورکهایمر (۱۳۸۴). *دیالکتیک روشن‌گری*، ترجمه مراد فرهادپور و امید مهرگان، تهران: گام نو.
- آگامبن، جورجو (۱۳۸۸). *قانون و خشونت*، ترجمه مراد فرهادپور و امید مهرگان، تهران: رخ داد نو.
- آگامبن، جورجو (۱۳۸۹). *اجتماع آینده*، ترجمه محمدرضا قربانی، تهران: رخ داد نو.
- آگامبن، جورجو و همکاران (۱۳۸۹). *قانون و خشونت*، ترجمه مراد فرهادپور، امید مهرگان، و صالح نجفی، تهران: رخ داد نو.
- بدری، امین (۱۳۹۲). «عادات رسانه‌ای شهروندان تهرانی، از دیدگاه شهروندان تهرانی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- برخورداری، مریم (۱۳۹۲). «مخاطب‌شناسی رسانه با رویکرد داده‌کاوی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- حقیقی، ابراهیم (۱۳۷۴). «نظرات مردم تهران درباره رسانه‌ها»، طرح تحقیقی به سفارش صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.
- زیمل، گئورگ (۱۳۷۲). «کلان‌شهر و حیات ذهنی»، ترجمه یوسف اباذری، *نامه علوم اجتماعی*، ج ۲، ش ۳.
- زیمل، گئورگ (۱۳۹۳). *درباره فردیت و فرم‌های اجتماعی*، ترجمه شهناز مسمی پرست، تهران: ثالث.
- ژیژک، اسلاوی (۱۳۸۷). «کلیت و استثنای آن»، در: *کتاب سینما ۱*، ترجمه صالح نجفی، ویرایش مازیار اسلامی، تهران: رخ داد نو.
- سیلورمن، دیوید (۱۳۸۱). *روش تحقیق کیفی در جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: تیان.
- فلیک، اووه (۱۳۸۸). *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- کاظمی، عباس (۱۳۸۸). *پرسه‌زنی و زندگی روزمره ایرانی*، تهران: آشیان.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۱). *روش تحقیق کیفی ضد روش ۱*، تهران: جامعه‌شناسان.
- هیرشمن، آلبرت (۱۳۸۳). *خروج، اعتراض، وفاداری*، ترجمه محمد مالجو، تهران: شیرازه.

- Benjamin, Walter (1999 b). *The Arcades Project*, trans. Howard Eiland and Kevin McLaughlin, Harvard: Harvard University Press
- Depoy, E. and L. Gitlin (2005). *Introduction to Research: Understanding and Applying multiple Strategies*, St. Louis: Mosby Press.
- Fisk, John (1994). *Television Culture*, London: Rutledge.
- Gubrium, J. and J. Holstein (2001). *Handbook of Interview Research*, London: Sage.
- Morgan, D. L. (1988). *Focus Groups as Qualitative Research*, London: Sage.
- Northcutt, N. and D. McCoy (2004). *Interactive Qualitative Analysis: A Systems Method for Qualitative Research*, US: Sage.
- Price, Deborah and Sheila Cameron (2010). *Business Research Methods: A Practical Approach*, India: Excel Books.